

گونه‌ها و روش‌های تفسیری امام سجاد علیه السلام در منابع اهل سنت*

حسین خاکپور^۱

چکیده

امام سجاد علیه السلام به عنوان وارث علم پیامبر صلی الله علیه و آله روایات تفسیری گران‌بهای را علی‌رغم زندگی در شرایط حساس - از خود به یادگار گذاشته‌اند که جمع قابل توجهی از آن‌ها در منابع اهل سنت نیز انعکاس یافته و همین امر، ضرورت و اهمیت پرداختن به موضوع مورد نظر را دوچندان می‌نماید. مقاله‌ی حاضر، به روش توصیفی - تحلیلی، با تتبع در مصادر اهل سنت و استخراج احادیث تفسیری امام زین العابدین علیه السلام، نشان می‌دهد که مهم‌ترین گونه‌های روایات تفسیری امام عبارتند از: جایگاه تقلید در کلام امام، تجلّی آیات در سیره‌ی امام، آموزه‌های کلامی و تبیین معارف اعتقادی، روایات فقهی، احادیث اخلاقی، تربیتی و هدایتی. نکته‌ی قابل تذکر این است که تحقیق پیش رو، در مقام برشمردن تعداد روایات تفسیری امام سجاد علیه السلام در منابع اهل سنت نبوده، بلکه در پی رمزگشایی از گونه‌ها و روش‌های تفسیری امام علیه السلام در آن‌هاست. از دیگر مسائل مطرح‌شده در این نوشتار، بیان روش‌های تفسیری امام زین العابدین علیه السلام است؛ از جمله: تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به سنت، تفسیر واژه‌ای، بیان اسباب نزول، مکی و مدنی، تبیین مجملات، تقييد مطلقات، تخصیص عمومات، استفاده از جری و تطبیق در تفسیر و سایر مبانی علوم قرآنی. همچنین برخی از روایات این امام همام، در شرایط تقیه صادر شده‌اند که در این نوشتار، به آن‌ها پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: امام سجاد علیه السلام، روایات تفسیری، تفسیر، اهل سنت.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۴
۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان،

طرح و بیان مسأله

پس از واقعه‌ی جانگداز کربلا، فرصت چندانی برای ارائه‌ی مطالب ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تفسیر قرآن نبود. تفکر حذف اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام از یک سو و مرجع تراشی جعلی از دیگر سو، مشکلات زیاد و مصیبت باری را برای جامعه‌ی اسلامی فراهم آورد. با این وجود، امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان وارث علم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، هر فرصتی را مغتنم دانسته و در چنین فضای پر آشوبی، با زبان دعا و گاه در غالب آموزه‌های دینی، به تفسیر قرآن همت گماشتند. ثمره‌ی این تلاش‌ها، روایاتی است که نه تنها از طریق راویان شیعه به دست ما رسیده بلکه در کتب حدیثی اهل سنت نیز تجلّی یافته است. (ر.ک: خاکپور و عابدی، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳) لذا نگارنده بر آن است تا با بررسی احادیث تفسیری این امام همام در مصادر فوق، ضمن دسته‌بندی، گونه‌های آن را به تصویر کشیده تا علاوه بر بیان مقام شامخ اهل بیت عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَام، روش‌های این امام همام در تبیین قرآن نیز مشخص گردد؛ زیرا با مراجعه به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و روایات ایشان، می‌توان به روش تفسیری این بزرگواران پی برد. لازم به ذکر است که از نقش‌های اساسی شناخت روایات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، تعلیم اسلوب و روش فهم قرآن کریم است. (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۹: ۱/۴۶۸-۴۶۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۹۵)

در تفاوت بین گونه‌ها و روش‌ها باید گفت: مقصود از روش تفسیری، امری فراگیر است که مفسّر، آن را در سرتاسر تفسیر به کار می‌گیرد (خاکپور و عباسی، ۱۳۹۸: ۱۹) که البته روش امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام به گونه‌ای جامع می‌باشد؛ به دیگر بیان، در شیوه‌ی تبیینی این امام همام، تمام روش‌های متداول امروزی قابل مشاهده است؛ برخی از آن‌ها، روش اثری، قرآن به قرآن، اجتهادی، کلامی و... می‌باشد.

گونه‌های تفسیری، شامل اقسام و انواع روایات تفسیری می‌باشد (خاکپور و عباسی، ۱۳۹۸: ۱۹) که در پژوهش پیش رو، دربردارنده‌ی تمام روایات تفسیری این امام همام می‌شود.

در ارتباط با روایات تفسیری امام سجّاد علیه السلام، مقالات اندکی - آن هم فقط در حوزه‌ی حدیث شیعه - به رشته‌ی تحریر در آمده که منحصر به روش‌های تفسیری این امام همام می‌شود. (ر.ک: جلالی، ۱۳۸۹/۴۵۱) لازم به ذکر است، تفسیر امام سجّاد علیه السلام به دلیل هم عصر بودن با کبار تابعان و رویکرد عقلی برخی از آنان، و همچنین آغاز تدوین دانش تفسیر، اهمیت خاصی دارد؛ (ر.ک: جلالی، ۱۳۸۹: ۴۵۲) از این رو، نوشتار حاضر، پس از استخراج احادیث تفسیری این امام همام در منابع اهل سنت، گونه‌ها و سویه‌های تفسیری ایشان را - ضمن روش‌شناسی - به خوانندگان عرضه می‌کند.

۱. امام علی علیه السلام در کلام امام سجّاد علیه السلام

پاره‌ای از روایات تفسیری امام سجّاد علیه السلام، به بیان اطلاعات قرآن‌شناختی، فضایل عترت و بخصوص حضرت علی علیه السلام اختصاص دارد. این امام همام، در بیانی شیوا، نزول قرآن و کرائم آن را درباره‌ی عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله دانسته و می‌فرماید: «قرآن بر ما نازل شده است و مراد از کرائم آن، ما هستیم.» (حسکانی، ۱۳۹۳: ۴۲/۱)

امام زین العابدین علیه السلام که خود تجلی قرآن است، این کتاب را کلام الهی دانسته و در مقام دفاع از حریم ولایت، هر زمینه‌ای را مغتنم دانسته، به جایگاه بی‌بدیل امام علی علیه السلام اشاره می‌نماید؛ زیرا به فرموده‌ی خود امام: «روزگار ما مثل روزگار بنی اسرائیل در بین فرعونیان است که کودکان ما را ذبح می‌کنند و زنان را به اسیری می‌گیرند و بزرگ ما را بر منابر ناسزا می‌گویند» (ابن سعد، بی‌تا: ۲۲۰/۵-۲۲۱؛ ر.ک: قسمت تقیه همین مقاله)

ایشان ضمن حدیثی در فرازمنندی مقام حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی علی ابن ابیطالب فرمود: یا ابا الحسن اگر گذارده شود ایمان تمام خلائق و عمل تو، عملت بر آنچه تمام خلائق عمل کرده‌اند، برتر است، و خدای عزوجل به عمل روز احد تو مباحات و فخر می‌کند به ملائکه‌ی مقرّبین خود و پرده‌های حجاب را از آسمان‌های هفتگانه برداشت، برای نزول تو بهشت و آنچه در اوست آماده شد، به فعل تو خدای عالم مسرور گشت. عوض عمل این روز، تو را به قدری عطا می‌کند که تمام انبیاء، رسل، صدیقین و شهداء غبطه می‌خورند.» (القندوزی الحنفی، ۱۴۲۲: ۱۴۸/۱)

این امام همام، امیرالمؤمنین علیه السلام را اول کسی می‌داند که نفسِ خودش را به خاطر رضای خدا فروخت و در شب هجرت (لیلة المیت) در بستر پیامبر خوابید. (سیوطی، ۱۴۰۳: ۱۴۸/۱؛ مظهری، ۱۴۲۵: ۵۳/۲؛ حسکانی، ۱۳۹۳: ۱۰۱/۱)

ذیل آیهی «وَأَذَانُ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ...» (توبه/۳)؛ «و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر...» از امام سجّاد علیه السلام نقل شده که ایشان فرمودند: «علی علیه السلام در کتاب خدا اسمی دارد که مردم نمی‌شناسند، پرسیدم آن چیست؟ فرمود: علی علیه السلام اذان است (منادی در روز حج اکبر است)». (حسکانی، ۱۳۹۳: ۲۳/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۳: ۱۲۶/۴)

همچنین از امام سجّاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل شده که: «رسول خدا صلی الله علیه و آله هزار باب علم به علی علیه السلام آموخت و او از هر باب، هزار باب گشود.» (القندوزی، ۱۴۲۲: ۱۷۷/۱)

لازم به ذکر است از امام سجّاد علیه السلام در فراز مندی مقام عترت - بخصوص حضرت علی علیه السلام - روایات بسیاری وارد شده که برخی در ادامه‌ی بحث خواهد آمد و در این مجال به همین اندک بسنده می‌کنیم.

۲. تجلی آیات در سیره‌ی امام سجّاد علیه السلام

با تأمل در روایات تفسیری این امام همام، به مواردی برخورد می‌کنیم که نشان‌دهنده‌ی تجلی آیات و سیره‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله در عمل و گفتار ایشان است. در ذیل به ذکر چند نمونه پرداخته می‌شود.

- امام زین العابدین علیه السلام لباس گران‌بهای از خز به پنجاه دینار خرید [ظاهراً در زمستان]. چون آن را مدتی پوشید، در تابستان صدقه داد و بر این امر [پوشیدن چنین لباس‌هایی] اشکال نمی‌دید و می‌گفت چه کسی زینت خدا را که برای بندگانش نازل کرده، حرام نموده است. (آلوسی، بی‌تا: ۱۰۹/۸؛ قرطبی، ۱۴۲۲: ۱۹۵/۷)

لازم به ذکر است آلوسی از این عمل امام حکم فقهی استنباط نموده و ضمن نقل آن، ذیل آیه «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ...» (اعراف/۳۱)؛ «ای فرزندان آدم!

زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید...» می‌افزاید: «این عمل، حمل بر وجوب نمی‌شود.» (آلوسی، بی تا: ۱۰۹/۸)

- از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که بر فقیرانی گذر نمودند که تکه‌های نان [خشک] را می‌خوردند، امام علیه السلام بر آنها سلام کرد و آنها امام را دعوت نمودند. امام فرمودند: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص/۸۳)؛ «(آری،) این سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده‌ی برتری‌جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است.» سپس فرود آمد و با آنها تناول کرد و فرمود: «من شما را اجابت کردم، پس شما هم مرا اجابت کنید، آنها را به منزل بُرد، طعام داد و لباس پوشاند و از آنها جدا شد.» (قرطبی، ۱۴۲۲: ۹۵/۱۰)

- بیهقی از امام سجّاد علیه السلام روایت نموده است که کنیز ایشان، روی دست حضرت، آب می‌ریخت که ظرف آب از دستش رها شد و به صورت امام خورد. امام به او نگاه کرد. کنیز گفت: خداوند می‌فرماید: «وَالْكَافِرِينَ الْغَيْظُ» (آل عمران/۱۳۴) حضرت فرمودند: خشم خود را فرو بردم. کنیز گفت: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» حضرت فرمودند: خدا تو را عفو کند. کنیز گفت: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» حضرت فرمودند: برو که تو آزاد هستی.» (سیوطی، ۱۴۰۳: ۳۱۷/۲؛ الزحیلی، ۱۹۹۱: ۸۸/۴)

- در رابطه با این امام همام نقل شده که بارها غلامان و کنیزان خود را آزاد می‌نمود و هزاران درهم به آنها پول می‌داد. (ر.ک: ابن اثیر، ۱۴۰۳: ۲۷۹/۷-۲۹۶ ذیل آیه‌ی: بلد/۱۳) اما برخی - در ظاهر - گمان می‌کردند که امام بخیل است و وقتی امام علیه السلام شهید شدند، مردم دیدند که صدها نفر را شبانه در مدینه اطعام می‌نموده است. (ر.ک: ابن سعد، بی تا: ۲۲۲/۵؛ عابدی، ۱۳۷۲/۷۵ رقم ۸۰: ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۳۰/۶؛ سبط ابن جوزی، بی تا: ۳۹۳/۲)

- داشتن سجایای اخلاقی، یکی دیگر از مواردی است که دشمنان امام نیز به آن اعتراف نموده‌اند؛ هشام بن اسماعیل المخزومی - که از دشمنان حضرت بود - چون با رفتار امام برخورد نمود، گفت: «خداوند می‌داند که رسالتش را به چه کسانی بدهد.»

(سبط ابن جوزی، بی تا: ۳۹۹/۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۶/۴۲۸؛ عابدی، ۷۵/۱۳۷۲، رقم ۱۱۱؛ ابن اثیر، ۱۴۰۲: ۴/۵۲۶)

- روایت شده که هرگاه امام علیه السلام به سائلی کمک می نمودند، می فرمودند: «آفرین به کسی که توشه ام را به آخرت حمل می کند.» (سبط ابن جوزی، بی تا: ۳۹۲/۲؛ ابن جوزی ۱۴۱۲: ۶/۳۲۸؛ الاربلی، ۱۴۰۱: ۲/۱۸۸)

- ایشان درعین حال که شدیدترین آیه برای اهل جهنم را «فَدُوْا فَلَئِنْ زَيْدَكُمْ اِلاَّ عَدَابًا» (نبا/ ۳۰)؛ «پس بچشید که چیزی جز عذاب بر شما نمی افزایم.» می دانستند، می فرمودند: امیدوارکننده ترین آیه برای اهل توحید، «اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُّشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَّشَاءُ وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ افْتَرٰى اِثْمًا عَظِيْمًا» (نساء/ ۴۸)؛ «خداوند (هرگز) شرک را نمی بخشد! و پایین تر از آن را برای هر کس (بخواهد و شایسته بداند) می بخشد. و آن کسی که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است.» می باشد. (العک، ۱۴۱۷: ۱۷)

کوتاه سخن این که، حضرت سجاد علیه السلام خود تجلی کامل آیات الهی بود.

۳. روش های تفسیر قرآن

جمع قابل توجهی از روایات امام زین العابدین علیه السلام، به تفسیر قرآن اختصاص دارد. (خاکپور و عابدی ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳) ایشان با استفاده از روش ها و گونه های مختلف، قرآن را تبیین می نمودند که به برخی از آن ها اشاره می شود.

۳-۱. روش تفسیر قرآن به قرآن

مقصود از تفسیر قرآن به قرآن این است که هر آیه ای به کمک و استعانت از آیات دیگر تفسیر شود؛ زیرا برخی آیات، مبین آیات دیگر هستند و به تفصیل معانی و محتوای دیگر آیات پرداخته اند. این شیوه، همزمان با نزول آیات، آغاز و تاکنون ادامه یافته است. (مؤدب، ۱۳۸۰: ۱۷۴-۱۷۳) جمع قابل توجهی از دانشمندان بر آنند که شریف ترین و بهترین انواع تفسیر، استفاده از خود قرآن است؛ زیرا هیچ کس به مفاهیم کلام الهی، آگاه تر از خداوند متعال نیست. (همان/ ۱۶۸) علامه طباطبایی این نوع تفسیر را شیوهی مورد قبول قرآن و ائمه علیهم السلام می داند. (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱/۱۹)

یکی از اسلوب ویژه که امام زین العابدین علیه السلام برای آشکار نمودن معانی و کشف حقایق وحیانی به کار برده‌اند، روش تفسیری قرآن به قرآن می‌باشد؛ به عنوان نمونه:

- ذیل آیهی «وَإِذَا ذُكِّرْتُمْ رَبَّنَا فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ عَلَيَّ آذُنًا مِنْهُمْ نَفُورًا» (اسراء/۴۶)؛ «و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی، آن‌ها پشت می‌کنند و از تو روی بر می‌گردانند.» روایت شده: مراد از نام خدا، «بسم الله الرحمن الرحيم» است. (ابن عطیه، ۱۹۹۲: ۶۰/۱؛ قرطبی، ۱۴۲۲: ۹۲/۱ و ۲۷۱/۱۰)

در این حدیث، امام علیه السلام مقصود از ذکر خدا در قرآن را همان «بسم الله الرحمن الرحيم» بیان می‌دارند که این سخن مستند به روایتی است که، هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خواستند وارد منزل شوند، قریش مقابل آن تجمع می‌کردند، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله با صدای بلند «بسم الله الرحمن الرحيم» را می‌خواندند و قریشیان فرار می‌کردند، که آیهی مذکور نازل شد. (سیوطی، ۱۴۰۳: ۲۹۸/۵، هر دو از امام باقر علیه السلام)

- ذیل آیهی «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ» (نمل/۸۹)؛ «کسانی که کار نیکی انجام دهند، پاداشی بهتر از آن خواهند داشت؛ و آنان از وحشت آن روز در امانند.» روایت شده که امام در ضمن کلام خود بیان می‌دارند که مقصود از «من جاء بالحسنة» همان ذکر «لا اله الا الله» است. (ابن عطیه، ۱۹۹۲: ۲۷۳/۴)

لازم به ذکر است که در این بیان، امام علیه السلام با استفاده از قرآن، یکی از مصادیق «حسنة» را بیان می‌دارند.

۲-۳. روش تفسیری روایی (قرآن به سنت)

تفسیر قرآن در پرتو روایات رسیده از معصومان، با عنوان تفسیر روایی، نقلی و گاه اثری یاد می‌کنند. (سبحانی، بی‌تا: ۱۵۳) در تفسیر کلام خداوند، پس از قرآن کریم - که نخستین مأخذ تفسیر و گرانمایه‌ترین ابزار فهم آیات الهی است - سنت، جایگاه خاصی دارد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله بیش از هر فرد دیگری به تفصیل مجمل و بیان مشکلات کتاب خداوند آگاه است. (مؤدب، ۱۳۸۰: ۱۸۲)

از دیدگاه شیعه‌ی امامیه، «سنت» به عنوان قول، فعل و تقریر معصوم علیه السلام نقش اساسی در فهم و تفسیر قرآن دارد. از این رو برخی عالمان شیعه در مقابل سخن کسانی که با رأی

و نظر خود، قرآن را تفسیر می‌کنند، بر این باورند که تفسیر قرآن، جز با حدیث صحیح پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ - که سخن ایشان همچون کلام پیامبر حجت می‌باشد - جایز نیست. (طوسی، ۱۴۰۹: ۴۹۳/۱) اما باید گفت: با تغییر و تحوّل اندیشه‌ها این روش هم فراز و فرودهای بسیاری دارد که پرداختن به آن از حوصله بحث خارج است. (ر.ک: خاکپور، لطفی، ۱۳۹۹)

در بررسی روایت تفسیری امام سجّاد ﷺ، مواردی به چشم می‌خورد که امام سخن خویش را مستند به کلام رسول خدا ﷺ یا پدران بزرگوار خویش می‌نماید؛ چنان‌که در ذیل آیهی «تَسْبِخُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِخُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ...» (اسراء / ۴۴)؛ «آسمان‌ها و زمین و هرکس که در آن‌هاست، او را تسبیح می‌گویند و هیچ چیز نیست مگر این که در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید ولی شما تسبیح آن‌ها را در نمی‌یابید به راستی که او همواره بردبار و آمرزنده است.» روایت شده است که ابی حمزه می‌گوید: با علی بن حسین (امام سجّاد ﷺ) بودیم که دسته‌ای از گنجشک‌ها از ما عبور کرد و ایشان گفت: آیا می‌دانید این‌ها چه می‌گویند؟ گفتیم نه، فرمود: من نمی‌گویم علم غیب دارم اما از پدرم از علی بن ابی طالب ﷺ شنیدم که می‌فرمودند: پرنندگان هرگاه آواز می‌خوانند، خدای خود را می‌ستایند، روزی روزشان را می‌خواهند و این تسبیح خداست و طلب روزیشان. (سیوطی، ۱۴۰۳: ۲۹۵/۵ همین حدیث از امام باقر ﷺ از رسول خدا ﷺ نیز نقل شده است.)

همچنین ذیل همین آیه، در صحیفه، از امام سجّاد ﷺ مطلبی نقل شده که ایشان ماه را مخاطب قرار داده و (ظاهراً) این نشان می‌دهد که ماه دارای شعور است. (آلوسی، بی‌تا: ۸۶/۱۵)

توضیح این‌که: دعای ۴۵ صحیفه، در تودیع و خداحافظی ماه مبارک رمضان است؛ امام با حالت اندوه و سوگ، در انتهای ماه خدا، با خدا سخن می‌گوید و از این‌که ماه رمضان به پایان رسیده، اظهار حزن و تأسّف می‌کند؛ آن‌گاه خطاب به آن ماه پر برکت می‌گوید: «درود بر تو ای بزرگ‌ترین ماه خدا و ای عید دوستان او. درود بر تو ای گرمی‌ترین زمان‌هایی که همراه ما بودی و ای نیکوترین ماه در روزها و ساعت‌ها. درود بر تو ای ماهی که آرزوها در تو نزدیک و اعمال نیکو در آن فراوان شد.»

در این دعا، امام علیه السلام بیست بار بر ماه رمضان درود می‌فرستد و در هر فرازی، برکات و خیرات این ماه را بر می‌شمارد و از فضل و رحمت الهی و عنایات و بخشش او سخن به میان می‌آورد، که در نوع خود، بدیع و بی‌نظیر است، اما نکته بسیار جالب و شگفت‌انگیز، سخن گفتن امام علیه السلام با گُره ی ماه و ماه رمضان است که از قبیل سخنان شاعرانه و خیال‌پردازانه و مجازی نیست بلکه عرفانی، حقیقی و واقعی است.

در موردی دیگر، ذیل آیات ۹-۸ سوره ی جن، قرطبی پس از نقل حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله در چگونگی راندن جنیان می‌گوید: شبیه این حدیث را زهری از علی بن الحسین از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت نموده‌اند.

در آخر روایت زهری آمده است که او سؤال می‌کند: آیا آن‌ها در زمان جاهلیت هم این کار را انجام می‌دادند؟ امام علیه السلام فرمودند: بله. زهری می‌گوید: پس این عبارت خدا «وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ...» مرادش چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: امر جنیان هنگام بعث پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار سخت و شدید شد. (قرطبی، ۱۴۲۲: ۱۹/۱۳)

۳-۳. روش تفسیر لغوی «واژه‌ای»

شماری از روایات تفسیری امام زین العابدین علیه السلام به شکلی است که در تبیین آیات الهی تنها یک واژه یا برخی واژگان آیه را معنا نموده‌اند. این روش، غالباً در مواردی به کار رفته که ظاهر آیه، روشن به نظر آمده و گویی مخاطب نیازی به توضیح بیشتر نداشته و در حقیقت این نوع روایات، حکم ترجمه را دارند. (رستمی، ۱۳۸۰: ۱۹۰) روش‌شناسی این شیوه نشان می‌دهد که تبیین کلمات قرآن، به شکل‌های مختلفی قابل بررسی است. (خاکپور، ۱۳۹۰: ۷۰) لازم به ذکر است تفسیر واژه‌ای، خود به گونه‌های مختلفی در کلام امام سجّاد علیه السلام قابل مشاهده است که برخی را بیان می‌کنیم.

۳-۳-۱. بیان مصداقی

در این شیوه، امام علیه السلام به ذکر مصداق کلمه بسنده می‌کنند؛ به عنوان نمونه: از ایشان درباره‌ی «ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ»، «مُقْتَصِدٌ» و «سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» در آیه‌ی «ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ...» (فاطر/۳۲)؛ (سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده‌ی خود به میراث دادیم؛ (اما) از میان آن‌ها عده‌ای بر خود ستم کردند، و عده‌ای میانه‌رو بودند، و گروهی به

اذن خدا در نیکی‌ها (از همه) پیشی گرفتند...» سؤال می‌شود، امام علیه السلام می‌فرماید: «ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ» یعنی کسی که حسنات و سیئات او مساوی شوند، او در بهشت است، «مُقْتَصِدٌ» یعنی کسی که در خانه خدا را عبادت می‌کند تا به یقین برسد و «سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» یعنی کسی که با شمشیر در راه خدا جهاد نماید. (حسکانی، ۱۳۹۳: ۱۰۴/۲) مثالی دیگر: در آیهی «لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ...» (حج/ ۶۷): «برای هر امتی عبادتی قرار دادیم، تا آن عبادت را (در پیشگاه خدا) انجام دهند...» ذیل عبارت «هُمْ نَاسِكُوهُ» از امام علیه السلام روایت شده که مراد از آن، ذبح است. (حسکانی، ۱۳۹۳: ۱۰۴/۲)

۳-۳-۲. بیان توسعه‌ای

گاه امام علیه السلام، به معنای واژه‌ای توسعه بخشیده یا می‌خواهند سائل را به قسمت دیگری نیز معطوف دارند؛ چنان که از امام علیه السلام روایت شده که مردی از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی جهاد پرسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا جهادی برای تو معرفی کنم که شوکتی ندارد، و آن حج است. (سیوطی، ۱۴۰۳: ۵۰۶/۱)

۳-۳-۳. بیان ساده (ظاهری)

گاهی اوقات، امام علیه السلام از همان واژه‌ای که قرآن بیان نموده، استفاده کرده، آن را ساده‌تر می‌نماید؛ به عنوان نمونه، ذیل آیهی «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا صَافَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ...» (توبه/ ۱۱۸): «(همچنین) آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوک) تخلف جستند، (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند)، تا آن حد که زمین با همه‌ی وسعتش بر آن‌ها تنگ شد...» روایت شده است که: «قراء علی بن الحسین و محمد بن علی الباقر و جعفر الصادق رضی الله عنهم، «خالفوا». (زمخشری، ۱۳۶۱: ۳۰۷/۲) در منابع شیعه: طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۵۰/۵) ظاهراً مراد از قراء در این جا «فَسَّر» است و این بزرگواران مراد از «خَلَفُوا» را «خالفوا» دانسته‌اند؛ همچنان که آن سه نفر دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله را اطاعت نکردند.

۳-۳-۴. بیان توضیحی

در پاره‌ای موارد، امام علیه السلام برای روشن شدن معنای واژه، آن را توضیح می‌دهند یا قید توضیحی به آن می‌افزایند. به عنوان نمونه، حکیم بن جبیر می‌گوید: از علی بن حسین (امام علیه السلام) درباره‌ی سه آیه در سوره‌ی مائده: «وَمَنْ لَمْ يَخُجْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ

هُمُ الْكَافِرُونَ» (مائده/ ۴۴)، «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (مائده/ ۴۵) و «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (مائده/ ۴۷) که ظاهراً شبیه هم هستند، سؤال کردم. حضرت علیه السلام در ضمن کلام خود فرمودند: کفری مراد است که مثل کفر شرک نیست و فسقی مراد است که مثل فسق شرک نیست و ظلمی مراد است که چون ظلم شرک نیست. (سیوطی، ۱۴۰۳: ۸۸/۳)

۳-۳-۵. بیان باطنی

در برخی موارد، تبیین واژگان قرآن توسط امام علیه السلام، از قسم ظاهری نبوده بلکه از مقوله‌ی باطنی است. به عنوان مثال، ذیل آیه‌ی «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ...» (اعراف/ ۱۷۲) در تفسیر طبری از امام سجّاد علیه السلام روایت شده که ایشان «ظهورهم» را به «ارواح» تأویل نمودند. (طبری، ۱۴۰۶: ۱۱۷/۶؛ سیوطی، ۱۴۰۳: ۱۴۴/۳) (مراد، اقرار ارواح است.)

۳-۴. گونه‌ها و سویه‌های دیگر تفسیر

گاه امام سجّاد علیه السلام در تفسیر برخی آیات الهی از شیوه‌های دیگری استفاده می‌کنند که به طور خلاصه بیان می‌شود.

۳-۴-۱. تفسیر با استفاده از بیان اسباب نزول

یکی از راه‌های فهم معنا و مقصود، توجه به شرایط خاص صدور کلام در آن است. برخی از آیات قرآن، در زمان، مکان و شرایط خاص نازل شده‌اند که به آن «سبب نزول» می‌گویند و امام سجّاد علیه السلام در تبیین آیات الهی، گاهی به بیان سبب نزول آن‌ها پرداخته‌اند؛ چنان‌که از آن حضرت، ذیل آیه‌ی «سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» (معارج/ ۱) روایت شده که چون رسول خدا - روز غدیر خم - علی علیه السلام را به جانشینی خویش منصوب کرد، این خبر در بلاد اسلامی منتشر شد؛ نعمان بن حرث فهري نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ما را به یگانگی خدا و این که تو رسول او هستی و جهاد و حج و ... امر نمودی و اطاعت نمودیم، این چه کاری بود که این غلام را جانشین خود نمودی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: من از جانب خداوند این کار را انجام دادم. پس نعمان رو برگرداند و گفت: اگر این از جانب خداست، پس سنگی از آسمان بیاید و مرا هلاک کند! چند قدمی نرفته بود که سنگی از آسمان فرو افتاد و کشته شد؛ سپس خداوند آیه‌ی «سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ» را

نازل کرد. (حسکانی، ۱۳۹۳: ۲۸۷/۲-۲۸۶) این روایت، به طرق مختلف و راویان دیگر، در منابع اهل سنت نقل شده است.

همچنین امام سجّاد علیه السلام در بیانی دیگر، آیهی «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ...» (بقره/۲۰۷) را درباره‌ی امیرالمؤمنین، علی علیه السلام و آیهی «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ...» (احزاب/۴۰) را درباره‌ی زید بن حارثه می‌دانند. (اسفراینی، ۱۳۷۵: ۲۱۸/۱)

۳-۴-۲. تفسیر با استفاده از تبیین مجمل

امام سجّاد علیه السلام در سخنان گوه‌ر بار خود، اجمال آیه را، به گونه‌های مختلف، برطرف نموده‌اند. شایان ذکر است که اسباب اجمال را گونه‌گون دانسته‌اند (سیوطی، بی‌تا: ۳/۶۰-۵۹؛ خاکپور، رضوی دوست و محمدی، ۱۳۹۵: ۵۰؛ خاکپور، ۱۳۹۰: ۳۰) که از حوصله‌ی بحث خارج است و فقط به ذکر نمونه‌هایی در کلام امام بسنده می‌کنیم.

الف. غرابت لفظ: گاه علت مجمل بودن کلمه، غریب بودن لفظ است که امام علیه السلام آن را به گونه‌ی قولی یا فعلی تبیین نموده‌اند؛ به عنوان نمونه، ابن نصر و بیهقی از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده‌اند که «نَاشِئَةُ اللَّيْلِ» (مزمل/۶) خواندن نماز مستحبی بین مغرب و عشا است. (قرطبی، ۱۴۲۲: ۱۹/۴۰؛ آلوسی، بی‌تا: ۲۹/۱۰۵؛ بغوی، ۱۴۱۴: ۱۴/۳۷۷)

ذیل آیهی «قُلْ مَن كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ...» (بقره/۹۷) از امام سجّاد علیه السلام روایت شده که فرمودند: «اسم جبرئیل، عبدالله و اسم میکائیل، عبیدالله و اسم اسرافیل، عبدالرحمن است و هر اسمی که به «ایل» ختم شود [در زبان عبری]، همان عبدالله [در زبان عربی] است.» (طبری، ۱۴۰۶: ۱/۴۳۷؛ سیوطی، ۱۴۰۳: ۱/۲۲۵)

ب. اشتراک: گاهی علت مجمل بودن کلمه‌ای، اشتراک است؛ به عنوان نمونه، ذیل «...وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ...» (انعام/۱۴۱) کلمه‌ی «حق»، مشترک است بین زکات مستحبی و زکات واجب. امام زین العابدین علیه السلام می‌فرمایند: «آن، حَقُّ در مال است غیر از زکات واجب.» (قرطبی، ۱۴۲۲: ۸/۶۹)

۳-۴-۳. تفسیر با استفاده از تقييد مطلق

گاهی امام سجّاد علیه السلام با مقید نمودن آیه یا کلمه‌ای، آن را تفسیر می‌نماید؛ چنان که ذیل آیه‌ی «... فَأُولَئِكَ يَبْدُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ...» (فرقان/۷۰)؛ «... خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند...» از این امام همام روایت شده که تبدیل سیئات به حسنات، در آخرت است. (سیوطی، ۱۴۰۳: ۲۸۰/۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۳: ۱۶۹/۵)

۳-۴-۴. تفسیر با استفاده از تخصیص عام

در پاره‌ای از موارد، امام زین العابدین علیه السلام عام بودن لفظ را با تخصیص زدن آن تبیین می‌نماید. از ایشان ذیل آیه‌ی «... وَأَمْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ...» (احزاب/۵۰)؛ «... و هرگاه زن با ایمانی خود را به پیامبر ببخشد (و مهری برای خود نخواهد)...» - به طریق ابان بن تغلب - روایت شده که مراد، خانمی از قبیله‌ی «اسد» به نام امّ شریک بود که خودش را به رسول الله «هبه» نمود. (قرطبی، ۱۴۲۲: ۲۳/۲۱؛ سیوطی، ۱۴۰۳: ۶۳۰/۲؛ ابن عطیه، ۱۹۹۲: ۳۹۲/۴؛ آلوسی، بی تا: ۵۹/۲۲)

۳-۴-۵. تفسیر با استفاده از بیان تقدیم و تأخیر

مواردی مشاهده می‌شود که امام سجّاد علیه السلام با استفاده از تقدیم و تأخیر، به تفسیر آیه یا بیان نکته‌ای اقدام فرموده‌اند؛ چنان که روایت شده است که ابن عباس و امام زین العابدین علیه السلام و دیگران، به آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ...» (احزاب/۴۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با زنان با ایمان ازدواج کردید و قبل از همبستر شدن طلاق دادید...» استدلال نموده‌اند که طلاق واقع نمی‌شود مگر پس از ازدواج؛ چون خداوند طلاق را پس از نکاح آورده است. (ابن کثیر، ۱۴۰۳: ۴۷۸/۵)

۳-۴-۶. تفسیر از راه بیان مصداق (جری و تطبیق)

«جری» در لغت به معنای روان شدن و جریان داشتن است. (قرشی، ۱۳۷۵: ۳۰/۲) جری به این معنا، تعبیری است که خود ائمه علیهم السلام برای بیان استمرار قرآن در همه‌ی زمان‌ها به کار برده‌اند و مراد از آن، انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی غیر از آنچه درباره‌ی آن‌ها نازل شده است، که از مخاطبان اولیه‌ی خود تجاوز کرده و بر افرادی که در قرن‌های

بعد می آیند، منطبق می شوند. (شاکر، ۱۳۷۶: ۱۴۹) این روش، در کلام امام سجاد علیه السلام به گونه‌های مختلفی یافت می‌شود:

الف. مصداق خاص: در برخی موارد، آیه، دارای مصداق انحصاری است که امام علیه السلام به بیان آن می‌پردازند؛ به عنوان نمونه، امام زین العابدین علیه السلام، حضرت علی علیه السلام را اولین کسی می‌دانند که جانش را در راه خدا معامله نمود (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۳: ۵۳/۴، مظه‌ری، ۱۴۲۵: ۵۳/۲؛ حسکانی، ۱۳۹۳: ۱۰۲/۱-۱۰۱) و با این بیان می‌رسانند که نزول آیه‌ی ۲۰۷ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره فقط در مورد ایشان است.

در حدیث دیگری، امام سجاد علیه السلام آیه‌ی «ثُمَّ أُورَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا...» (فاطر/۳۲) را فقط در مورد اهل بیت علیهم السلام می‌دانند. (ر.ک: حسکانی، ۱۳۹۳: ۱۰۴/۲) لازم به ذکر است که این حدیث از امام باقر و صادق علیهم السلام نیز روایت شده است. (آلوسی، بی تا: ۱۹۵/۲۲)

ب. مصداق اتم: گاهی امام علیه السلام مصداق اتم و اکمل آیه را بیان می‌فرمایند؛ به عنوان نمونه، ایشان در آیه‌ی «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ...» (انفال/۴۱) مصداق اتم «ذوی القربی» را بنی‌هاشم می‌دانند. (ر.ک: بغوی، ۱۴۱۴: ۱۰/۸؛ قرطبی، ۱۴۲۲: ۱۰/۸)

ج. مصداق عام: در برخی موارد، آیه، مصادیق متعددی را می‌پذیرد که امام علیه السلام برخی از مصادیق آن را بیان می‌فرمایند؛ چنان‌که ذیل آیه‌ی «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ...» (لقمان/۶) مصادیق متعدّد «لهو الحدیث» را، سخن بیهوده، موسیقی، غیبت، سخن چینی و ... نام می‌برند. (سیوطی، ۱۴۰۳: ۵۰۷/۶)

د. مصداق باطنی: گاهی اوقات، امام سجاد علیه السلام مصداق باطنی آیه را بیان می‌نمایند؛ به عنوان مثال، آلوسی در تفسیر *روح المعانی* از امام سجاد علیه السلام در تفسیر آیه‌ی «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» (نور/۵۵) نقل کرده است که فرمودند: «آنها - به خدا سوگند - شیعیان ما هستند، خداوند این کار را برای آنها به دست مردی از ما انجام می‌دهد که «مهدی» این امت است، زمین را پر از عدل و داد می‌کند آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده بود و هم او است که پیامبر صلی الله علیه و آله در حق وی فرموده: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد،

خداوند آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا مردی از دودمان من که نامش هم‌نام من است، حاکم بر زمین شود و صفحه‌ی زمین را پر از عدل و داد کند آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده بود.» (آلوسی، بی‌تا: ۴۲۹/۷)

۳-۴-۷. تفسیر از راه شرح جریان تاریخی

شیوه‌ی قرآن در بیان مسائل و تبیین موضوعات - در برخی موارد - بیان داستان و ارائه‌ی نکات اخلاقی و هدایتی است. امام سجّاد علیه السلام در پاره‌ای موارد، از این شیوه استفاده نموده‌اند؛ زیرا قصه، زمینه‌ی پذیرش را فراهم می‌نماید.

ذیل آیه‌ی «إِنَّ أَوَّلَ نَبِيٍّ وَضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَنَىٰ مَبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران/۹۶) از علی بن الحسین علیه السلام روایت شده است که خداوند در زیر عرش، خانه‌ای بنا نهاد و ملائکه را امر نمود بر آن - که نامش «بیت‌المعمور» بود - طواف کنند، سپس ملائکه‌ای که در زمین بودند را امر نمود خانه‌ای در زمین همچون بیت‌المعمور بسازند و نام آن را «الصرح» گذاشت و کسانی که در زمین بودند را امر کرد همچون اهل آسمان که بیت‌المعمور را طواف می‌کنند، آن را طواف کنند. (ر.ک: مظهری، ۱۴۲۵: ۹۵/۲)

۳-۴-۸. تفسیر با استفاده از اضافه کردن قید توضیحی

ذیل آیه «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ نِبْيَةٍ مِنْ رَبِّهِ...» (هود/۱۷) از امام سجّاد علیه السلام نقل شده، مراد آیه این است که هرکس خواهان بینه‌ای از پروردگارش در پیروی از رسول الله صلی الله علیه و آله است، با رسولش فضلی است که برای او روشن کند و او را هدایت نماید. (قرطبی، ۱۴۲۲: ۱۶/۹)

۳-۵. روش تفسیر کلامی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ائمه علیهم السلام، حفاظت از اعتقادات است. بیان صفات حق تعالی، احتجاج به قرآن در اثبات حقانیت اهل بیت علیهم السلام، حفاظت از حریم پاک انبیای الهی و... مواردی است که در روایات تفسیری این امام به چشم می‌خورد که در ذیل، نمونه‌هایی ذکر می‌گردد.

۳-۵-۱. صفات خدا

آلوسی ذیل آیه‌ی «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ...» (اسراء/۷۲) آورده است که عده‌ای از وجودیه‌ی صوفیه، در اثبات صحّت گفته‌های خود، به سخن امام

زین العابدین علیه السلام استدلال و شعری را به او نسبت داده‌اند، به خیال این که امام علیه السلام به گفته‌ی آن‌ها اشاره دارد، حال آن که مراد حضرت، چیز دیگری است.

مضمون آن شعر چنین است: من جوهر علم را مخفی می‌کنم؛ زیرا ممکن است جاهلی این حقیقت علم را ببیند و باعث فتنه شود. آن کار (کتمان جوهر علم) را امام حسن و حسین و وصی رسولش قبلاً انجام داده‌اند؛ چه بسیار جوهر علمی که اگر گشوده شود، به من می‌گویند، تو بت می‌پرستی، در این صورت مردان مسلمان، خونم را حلال دانسته و زشت‌ترین چیز را زیبا خواهند دید. آلوسی می‌گوید: مراد امام از این که اگر فاش شود، مردم می‌گویند: بت پرست هستی، «علم الوحده» است که طبق آن، بت و امثال آن مظهر خدایند. (آلوسی، بی تا: ۱۲۴/۱۵)

در این میان، امام علیه السلام به شیوایی می‌رسانند که همه چیز از او اثر می‌پذیرند و اگر درست نگاه کنی، حتی بت هم آیت خداوند است، و در عین حال خداوند نه زاده شده و نه کس از او زاینده شده و «جَدَّ» کسی هم نیست؛ ذیل آیه‌ی «وَأَنَّ تَعَالَى جَدُّ رَبَّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا» (جن/۳)؛ «و این که بلند است مقام باعظمت پروردگار ما، و او هرگز برای خود همسر و فرزندی انتخاب نکرده است.» از امام سجّاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام روایت شده است که به خدا قسم برای خدا «جَدَّ» نیست و خدا پدر کسی نیست. این سخن عده‌ای از نادانان جن است که خدا را پدر پدرشان می‌دانست. (الزحیلی، ۱۹۹۱: ۳۷۹/۵)

حضرت سیدالساّجیدین علیه السلام کلمه‌ی «لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ» را همان «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا...» (قصص/۸۴؛ نمل/۸۹؛ انعام/۱۶۰) دانسته (ر.ک: ابن عطیه ۱۹۹۲: ۲۷۳/۴) و مقصود از «وَإِذَا دُكِّرَتْ رَبِّكَ فِي الْقُرْآنِ...» (اسراء/۴۶) را نیز «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» (ابن عطیه ۱۹۹۲: ۶۰/۱؛ قرطبی، ۱۴۲۲: ۹۲/۱) می‌دانستند.

۳-۵-۲. احتجاج به آیات قرآن در اثبات حقانیت اهل بیت علیهم السلام

در پاره‌ای موارد، امام سجّاد علیه السلام در اثبات حقانیت عترت علیهم السلام به برخی آیات قرآن استدلال و استشهاد نموده‌اند که گاه از زبان مبارک سایر اهل بیت علیهم السلام نیز بیان شده و زمانی خود جایگاه عترت را متذکر شده‌اند:

الف. آیهی مودّت: از علی بن الحسین علیه السلام روایت شده که فرمودند: حسن بن علی علیه السلام آن شی که پدرش به شهادت رسید، خطبه ایراد کرد و در آن، فضایل اهل بیت علیهم السلام را برشمرده، فرمودند: من از خانواده‌ای هستم که خداوند محبت آن‌ها را بر هر مسلمان واجب کرده و فرموده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» اقراراف حسنه، همان مودت ما خانواده است. (ر.ک: نیشابوری، بی تا: ۱۷۲/۳؛ طبری، بی تا: ۱۸۳؛ الهیتمی، بی تا: ۱۳۶؛ شافعی، ۱۴۰۳: ۹۲؛ ابن جوزی، بی تا: ۱۸۲/۱؛ القندوزی، ۱۴۲۲: ۱، ص ۳۰۶)

همچنین روایت شده است هنگامی که علی ابن الحسین علیه السلام را اسیر کرده و در راه عبور می دادند، ابتدای دروازه شام، آن حضرت را متوقف نمودند. مردی شامی، از جا برخاست و گفت: خدا را سپاسگزارم که شما را گشت و بیچاره کرد... امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: آیا قرآن خوانده‌ای؟ گفت: بله. فرمودند: آیا «آل حم» را تلاوت نموده‌ای؟ مرد شامی شگفت زده شد و گفت: مگر شما «آل حم» هستید؟ امام فرمودند: آری. (طبری، ۱۴۰۶: ۱۶/۲۵؛ سیوطی، ۱۴۰۳: ۳۴۸/۷؛ القندوزی، ۱۴۲۲: ۸۰/۱ باب ۵۸: ابن کثیر، ۱۴۰۳: ۱۹۸/۶، ذیل شوری/۲۳)

ب. آیهی تطهیر: روایت شده است که امام سجّاد علیه السلام به مردی شامی فرمودند: آیا آیهی «...إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/۳۳) را خوانده‌ای؟ مرد گفت: مگر شما آن‌ها هستید؟ حضرت فرمودند: بله. (طبری، ۱۴۰۶: ۸/۲۲ (ذیل احزاب/۳۳)؛ ابن کثیر، ۱۴۰۳: ۵۴۵/۹؛ سیوطی، ۱۴۰۳: ۱۹۹/۵)

ج. آیهی «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» (اسراء/۲۶): در ادامه‌ی روایت فوق، حضرت به این آیه استدلال نموده، فرمودند: آیا این آیه را در سوره‌ی بنی اسرائیل خوانده‌ای؟ مرد گفت: بله و پرسید آیا شما همان خویشاوندانی هستید که خداوند امر فرمود که حقشان را بدهیم؟ امام فرمودند: بله. (طبری، ۱۴۰۶: ۸/۲۲ (ذیل احزاب/۳۳)؛ ابن کثیر، ۱۴۰۳: ۵۴۵/۹؛ سیوطی، ۱۴۰۳: ۱۹۹/۵)

ذیل همین آیه از امام سجّاد علیه السلام روایت شده که چون این آیه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را فراخواند و فدک را به او بخشید. (مظهری، ۱۴۲۵: ۲۸۱/۵؛ حسکانی، ۱۳۹۳: ۳۴۱/۱)

۳-۵-۳. حدوث و قدم قرآن

یکی از نزاع‌هایی که سالیان دراز، جامعه‌ی اسلامی را گرفتار خود نموده، به طوری که عده‌ی زیادی بدین سبب کشته شدند، بحث حدوث و قدم قرآن است. اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام در مواجهه با این سؤالات، به شیوه‌ای زیبا مردم را به اصل هدایتگری قرآن و کلام الهی بودن آن سوق داده و عملاً شیعه از این «محنه» مصون ماند و در این نزاع گرفتار نشد؛ به عنوان نمونه، از امام زین‌العابدین علیه‌السلام درباره‌ی قرآن سؤال شد، حضرت علیه‌السلام پاسخ دادند که قرآن، نه خالق است و نه مخلوق، و آن کلام خالق است. (سیوطی، ۱۴۰۳: ۲۴۴/۷، ذیل زمر/۲۸)

لازم به ذکر است پرداختن به این موضوع از حوصله‌ی بحث خارج است و فقط بدان اشاره نمودیم.

۳-۵-۴. عصمت انبیاء الهی

یکی از شؤون اهل بیت علیهم‌السلام، دفاع از حریم طهارت انبیاء الهی، به خصوص رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است؛ در این باره روایاتی از امام سجاد علیه‌السلام به چشم می‌خورد.

ذیل آیه‌ی «... وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ...» (احزاب/۳۷)؛ «... و در دل چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند؛ و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی...» این سؤال مطرح است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌ترسید چه چیزی را ابراز نماید؟

معروف‌ترین نظریه در میان مفسران و محققان اسلامی، اعم از شیعه و سنی، در رابطه با سبب نزول آیه‌ی فوق، سخنی از امام زین‌العابدین و حضرت رضا علیه‌السلام می‌باشد. ایشان در تبیین آیه‌ی کریمه فرموده‌اند که جبرئیل به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خبر داده بود که زید، همسر خویش، زینب را طلاق خواهد داد و زینب جزء همسران او خواهد شد ولی هنگامی که زید برای شکایت از همسرش نزد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسید و ناسازگاری خویش را با همسرش بیان داشت، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به واسطه‌ی مصالحی که وجود داشت، خبر جبرئیل را کتمان کرد و به زید توصیه نمود که با همسرش مدارا کند. در این هنگام، آیه‌ی شریفه نازل شد و پیامبر را راجع به کتمان واقعیت، مورد خطاب قرار داد. (ر.ک: قرطبی، ۱۴۲۲: ۱۴/۱۸۹؛ رازی،

بی تا: ۲۱۲/۲۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۳: ۷۸۱/۳؛ آلوسی، بی تا: ۲۴/۲۲؛ بغوی، ۱۴۱۴: ۴۵۸/۳؛ طبری، ۱۴۰۶: ۱۳/۲۲؛ مظهری، ۱۴۲۵: ۳۴۹/۷؛ ابن عطیه، ۱۹۹۲: ۳۸۷/۴-۳۸۶

بر مبنای این تفسیر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از هرگونه پنداری که موجب لکه دار شدن شخصیت الهی او شود، مبرا بوده و این دقیقاً همان چیزی است که آیات و روایات در مورد انبیاء به طور کلی و نسبت به پیامبر اسلام بالخصوص تأکید دارد؛ به تعبیر دیگر، این تفسیر از آیهی فوق، هماهنگ با بینش کلی قرآن در مورد انبیاست و به همین خاطر علمای اسلامی آن را بهترین تفسیر آیهی شریفه می دانند؛ به عنوان نمونه، قرطبی ضمن نقل سخن امام سجّاد علیه السلام می گوید: «علی بن حسین (امام سجّاد) از خزانهی علم بی انتهایش، گوهری و از میان دُرها، مروارید گفته است.» (قرطبی، ۱۴۲۲: ۱۴/۱۹۳) آلوسی نیز می گوید: «امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از پیامبر روایت نموده اند که این ازدواج را خدا انجام داد، لذا زینب به این فخر می کرد.» (آلوسی، بی تا: ۲۴/۲۲) او پس از نقل سخن امام سجّاد علیه السلام می گوید: «سالم تر و صحیح تر همان است که ما از زین العابدین علیه السلام گفتیم.» (بغوی، ۱۴۱۴: ۴۵۸/۳)

۳-۶. روایات تفسیری - اخلاقی

پاره ای از روایات امام سجّاد علیه السلام، تفسیری - اخلاقی است؛ یعنی در عین حال که آیه را تبیین می نماید، نکات اخلاقی و هدایتی را نیز متذکر می شود. در ذیل به چند نمونه اشاره می شود:

- امام علیه السلام فرمودند: هرگاه اولین و آخرین مردم در روز قیامت جمع شوند، ندا دهنده ای می گویند: صابران چه کسانی هستند؟ بدون حساب وارد بهشت شوید. پس عده ای از مردم برمی خیزند و به راه می افتند. ملائکه از آن ها می پرسند: به کجا؟ می گویند: به بهشت. ملائکه می پرسند: بدون حساب؟ می گویند: بله. می پرسند: شما چه کیستید؟ می گویند: ما از صابران هستیم. می پرسند: صبر شما چیست؟ می گویند: بر طاعت خدا صبر نمودیم و نفس خود را از معصیت باز داشتیم تا آن که خداوند جان ما را گرفت. ملائکه می گویند: همان طور هستید که می گویند، پس بدون حساب داخل بهشت شوید. ابن کثیر می گوید: شاهد بر صحت این قول، سخن خدای تعالی است که فرمود:

«خداوند صابران را بدون حساب مزد می دهد.» (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۰۳: ۳۴۹/۱، ذیل بقره/۱۵۴؛ قرطبی، ۱۴۲۲: ۳۱۳/۹)

- شبیه روایت فوق، در تفسیر قرطبی برای «اهل فضل» از امام سجّاد علیه السلام روایت شده که آن‌ها بدون حساب وارد بهشت می شوند و فضلشان، بردباری بر نادانان، صبر بر ظلم و بخشش کسانی که زشتی به آن‌ها نسبت داده اند، معرّفی شده است. (قرطبی، ۱۴۲۲: ۴۰/۱۶، ذیل انفال/۵۸)

- ابن ابی حاتم از امام سجّاد علیه السلام روایت کرده که فرمودند: «با دشمنت نبرد نکن تا وقتی که در شرایط یکسان باشی؛ چرا که خداوند نیرنگ کنندگان را دوست ندارد.» (سیوطی، ۱۴۰۳: ۸۲/۴، ذیل شوری/۴۰)

- امام علیه السلام خطاب به مردی که غیبت دیگری را می کرد، فرمودند: «از غیبت پرهیز، که نان و خورش سگ‌های دوزخ است.» (قرطبی، ۱۴۲۲: ۲۳۶/۱۶)

- همچنین آن حضرت علیه السلام فرمودند: «تعجب می کنم از متکبری که دیروز نطفه بود و فردا مُرداری است که همه از بوی گندش فرار می کنند، تعجب می کنم از کسی که در خدا شک دارد و عجائب او را می بیند و تعجب می کنم از کسی که در آخرت شک دارد حال آن که توّلد ابتدایی را به یاد دارد، تعجب می کنم از کسی که برای سرای فنا و نیستی کار می کند و سرای جاویدان را رها نموده است.» (سبط ابن جوزی، بی تا: ۳۹۲/۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۲۸/۶)

۳-۷. احادیث فقهی

برخی از احادیث تفسیری امام سجّاد علیه السلام به آیات و احکام می پردازد که به دو گونه ذیل قابل مشاهده است:

الف. استنباط حکم فقهی از عمل و گفته‌ی امام

- آلوسی، ذیل آیه‌ی «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف/۳۲) پس از آن که جریان خرید لباس گران‌بهای توسط امام سجّاد علیه السلام - در زمستان - و صدقه دادن آن را در تابستان بیان می کند، می افزاید که این عمل، حمل بر وجوب نمی شود.

- ابن کثیر، از قائلین به جهر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، امام سجّاد و امام باقر علیهما السلام را نام می‌برد. (ابن کثیر، ۱۴۰۳: ۳۱/۱)

ب. روایت تفسیری حاوی حکم فقهی

از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که مراد از «ذوی القربی» در آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی مبارکه‌ی انفال، بنی‌هاشم هستند. (بغوی، ۱۴۱۴: ۲۰۹/۲)

قرطبی در بخش کسانی که خمس را خاصّ بنی‌هاشم می‌دانند، این روایت را نقل می‌کند که علی بن الحسین (امام زین العابدین) علیه السلام فرمودند: «... خاصّ ماست و مراد از یتیمان و مساکین و ابن سبیل یعنی یتیم‌ها و مساکین ما. و «آت ذالقربی حقه» نزدیکان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند که رسول الله امر نموده حقّ آن‌ها را از بیت المال و غنائم بدهند و خطاب به امرا یا کسانی است که جای آن‌ها می‌نشینند.» (قرطبی، ۱۴۲۲: ۲۴۷/۱۰)

۳-۸. تقیه در روایات امام سجّاد علیه السلام

شرایط حاکم بر زندگی امام علیه السلام ایجاب می‌نمود که این بزرگوار، زبان دعا در پیش گیرند و پس از واقعه‌ی جانگداز کربلا، غالباً سخنان خود را در این قالب و گاه به صورت تقیه‌ای بیان می‌نمودند. به عنوان نمونه: منهل بن عمرو بر ایشان داخل می‌شود و می‌پرسد: چگونه روزگار می‌گذرانید؟ امام علیه السلام روزگار خودشان را به احوال بنی‌اسرائیل در میان آل فرعون تشبیه نموده که فرزندانشان را می‌کشتند و زنانشان را به اسیری می‌بردند. امام سجّاد علیه السلام می‌افزاید: بزرگ و سرور ما را بر منابر ناسزا می‌گویند... . راوی در انتهای حدیث، می‌گوید که گمان کردم امام علیه السلام این‌ها را گفت تا کسی که در خانه است، بشنود. خود این جمله بیانگر آن است که کلام در شرایط خاصّی صادر شده است. (ابن سعد، بی تا: ۲۲۰/۵ - ۲۱۹: خوارزمی، ۱۴۱۸: ۷۱/۲: عابدی، ۱۳۷۲/۷۰، رقم ۱۲۰)

در تفسیر قرطبی روایت شده که شخصی بر امام سجّاد علیه السلام وارد شد و نظر ایشان را پیرامون عثمان پرسید. امام علیه السلام فرمودند: آیا تو از اهل این آیه هستی؟ «لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ» (حشر/۸) گفت: خیر. امام علیه السلام فرمودند: پس آیا اهل این آیه هستی؟ «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (حشر/۹) گفت: خیر. امام علیه السلام فرمودند: به خدا قسم اگر از اهل آیه سوّم نباشی از اسلام خارج هستی و آیه این

است: «وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ» (قرطبی، ۱۴۲۲: ۳۱/۱۹) امام باقر علیه السلام با ظرافت هرچه تمام‌تر پاسخ این شخص را که دنبال بهانه‌ای می‌گشت، دادند.

مُظْهَری هم در مقام دفاع از خلفا روایتی را از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند و سپس می‌افزاید: در صحیفه‌ی کامله از دعاهای امام علی بن الحسین علیه السلام است که ایشان بر اصحاب محمد صلی الله علیه و آله سلام و درود می‌فرستند: «اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا النَّصِيحَةَ...» (مظهری، ۱۴۲۵: ۲۳۵/۹ - ۲۳۴)

کوتاه سخن اینکه روایات تأیید خلفا که از زبان امام سجّاد علیه السلام بیان شده، هیچ کدام مؤیّد سخن اهل سنت نیست؛ چراکه امام علیه السلام، یا دو پهلو سخن گفته‌اند و یا اصحابی خاصّ با خصوصیات ویژه را بیان نموده‌اند که هرکس اندک آشنایی با سیره‌ی این امام همام داشته باشد، آن‌ها را در می‌یابد.

نتیجه

با بررسی روایات تفسیری امام زین العابدین علیه السلام در منابع اهل سنت، می‌توان گفت که این احادیث، حدّاقل در موارد ذیل قابل بررسی است:

الف. دسته‌ای از آن‌ها بیانگر جایگاه بی‌بدیل قرآن و عترت در کلام امام علیه السلام است.
ب. گروهی حاکی از تجلّی قرآن و سیره‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله در رفتار و کلام آن امام است.
ج. قسمت عمده‌ی این احادیث، به روش‌ها و گونه‌های تفسیری اختصاص دارد که امام با این شیوه‌ها قرآن را تبیین نموده‌اند که، تفسیر قرآن به قرآن، روایی، واژه‌ای، استفاده از اسباب نزول در تفسیر، جری و تطبیق، تفسیر با استفاده از شرح جریان تاریخی، تخصیص عام و تقیید مطلق از آن دسته‌اند.

د. تعداد قابل توجهی از روایات امام علیه السلام، به آموزه‌های کلامی، همچون: بیان صفات خدا، خصوصیات قرآن و احتجاج به آیات قرآن در دفاع از اهل بیت علیهم السلام و بیان عصمت انبیاء الهی، اختصاص دارد.

ه. بیان مسائل اخلاقی - هدایتی و روایات فقهی نیز در کلام امام قابل مشاهده است.
و. در مواردی نیز با توجه به شرایط خاصّ حاکم بر آن زمان، روایاتی را می‌توان دید که به صورت تقیّه‌ای صادر شده‌اند.

منابع

* قرآن کریم

۱. آلوسی، شهاب‌الدین محمد، روح المعانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲. ابن جوزی، المنتظم، تحقیق محمد عبدالقادر، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
۳. ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۴. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، تفسیر المحرر الوجیز، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲م.
۵. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر قرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳م.
۶. اسفراینی، تفسیر تاج التراجم، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی، اول، ۱۳۷۵ش.
۷. البغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
۸. جلالی، سهیلا و میثاقی، عذرا، روش‌شناسی روایات تفسیری امام سجّاد علیه السلام، بی جا، مجموعه مقالات بیست و هفتمین دوره مسابقات قرآن کریم، بخش اول، ۱۳۸۹ش.
۹. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، مستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۴۲ش.
۱۰. الحسکانی، عبیدالله بن احمد الحنفی، شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، تحقیق محمدباقر المحمودی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى، ۱۳۹۳ق.
۱۱. خاکپور، حسین و عابدی، احمد، گونه‌ها و روش‌های امام علی علیه السلام در روایات تفسیری اهل سنت، پژوهشنامه علوی، ۱۳۹۳ش، شماره ۳، صص ۴۰-۲۱.
۱۲. _____، اهل بیت علیهم السلام در تفاسیر اهل سنت (نقش، جایگاه و میراث اهل بیت علیهم السلام در روایات تفسیری اهل سنت)، قم: انتشارات زائر، ج ۱ و ۲، ۱۳۹۱.
۱۳. _____ و عباسی، الهام، مأخذشناسی تفاسیر قرآن، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۸ش.
۱۴. _____ و لطفی، مریم، آسیب‌شناسی روایات تفسیری، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۳ش.
۱۵. _____، رضوی دوست، غلامرضا و محمدی، فرشته، ترجمه نموداری الاتقان،

تهران: انتشارات آوانگارد، ۱۳۹۸ش.

۱۶. _____، شیوه تبیین واژگان قرآن توسط عترت در روایات تفسیری اهل سنت، مجله سفینه، ۱۳۹۰ش، شماره ۳۳، ص ۷۰.
۱۷. الخوارزمی الحنفی، مقتل الحسین. تحقیق محمد السماوی، قم: مکتبه المفید، ۱۴۱۸ق.
۱۸. رازی، محمد بن عمر بن حسین، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۹. رستمی، علی اکبر، آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان، بی جا، چاپ حیدری، ۱۳۸۰ش.
۲۰. الزحیلی، الوهبه، تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، دمشق: دارالفکر، ۱۹۹۱م.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بیروت: دار کتاب العربی، ۱۳۶۱ق.
۲۲. سبحانی، جعفر، المناهج التفسیریة فی علوم القرآن، قم: نشر مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، الطبعة الثانیة، بی تا.
۲۳. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، تحقیق حسین تقی زاده، تهران، مؤسسه اهل البيت علیهم السلام، بی تا.
۲۴. السیوطی، عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ق.
۲۵. _____، الدر المنثور، بیروت: دارالفکر، الطبع الاوّلی، ۱۴۰۳ق.
۲۶. شاکر، محمد کاظم، روش های تأویل قرآن، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۷۶ش.
۲۷. الطباطبایی، محمد حسین، المیزان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۳ق.
۲۸. طبرسی، فضل، مجمع البیان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۲۹. الطبری، احمد، ذخایر العقبی فی مناقب ذوی القربی، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۳۰. الطبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۱. _____، جامع البیان فی تأویل القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.

۳۲. الطوسی، محمد، *التبیان فی تفسیر القرآن*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
۳۳. عابدی، احمد، *ترجمه امام زین العابدین من تاریخ دمشق*، مجله آیین پژوهش، ۱۳۷۲ش، شماره ۲۳۰.
۳۴. العک، خالد عبدالرحمن، *جامع اسباب نزول*، کراچی: قدیمی کتابخانه، ۱۴۱۷ق.
۳۵. قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۷۵ش.
۳۶. القرطبی، ابو عبدالله، *الجامع لاحکام القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۳۷. القندوزی الحنفی، ابراهیم، *ینابیع المودة لذوی القربی*، تحقیق علی جمال اشرف الحسینی، قم: دار الاسوه، ۱۴۲۲ق.
۳۸. الكنجدی الشافعی، محمد بن یوسف، *کفاية الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب*، تهران، انتشارات اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۴۰۴ق.
۳۹. المظهری، محمد ثناء الله، *تفسیر المظهری*، تحقیق احمد غرو عنایه، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، ۱۴۲۵ق.
۴۰. معرفت، محمدهادی، *التفسیر و المفسرون فی ثبوت التشیبه*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۹ق.
۴۱. مودب، رضا، *روش های تفسیر قرآن*، قم: اشراق، ۱۳۸۰ش.

